اخبار زلزله

سخنگوی ستاد مدیریت بحران کشور:

آمار دقیقی از حجم خسارت‌ها نداریم

دکتر بهنام سعیدی، سخنگوی ستاد مدیریت بحران کشور در گفت‌وگو با «اعتماد» با اشاره به اینکه بیش از ۱۴ کارگروه برای کمک به آسیب‌دیدگان زلزله استان‌های غربی کشور تشکیل شده است، گفت: از همان دقایق ابتدایی وقوع زلزله اکیپ‌های امداد و نجات از مناطق مجاور با شهرهای درگیر با این حادثه به محل‌های حادثه اعزام شدند و عملیات امدادرسانی را آغاز کردند.

وی با ذکر اینکه آمار دقیقی در خصوص حجم نیروها و امکاناتی که به شهرهای زلزله زده اعزام شده وجود ندارد، گفت: از آنجایی که از نقاط مختلف نیروها و امکانات اعزام می‌شوند و هنوز هیچ کدام آمار دقیقی به ما اعلام نکرده‌اند، نمی‌توانیم در مورد آمار دقیق و حجم اطلاع‌رسانی صحبت کنیم.

به گفته وی جوانرود، کرمانشاه، فلات باباجان، کردزا، قصرشیرین و سرپل‌ذهاب از جمله مناطقی هستند که بیشترین خسارت را در این زلزله داشته‌اند.

سعیدی همچنین درخصوص پخش اخباری مبنی براحتمال وقوع زلزله‌ای قریب‌الوقوع در تهران نیز گفت: اینها همه شایعه است و هیچ دلیل و سندی برای آن وجود ندارد. در حقیقت هیچ نشانه‌ای از بروز زلزله در تهران مشاهده نشده است و لزومی ندارد که شهروندان تهرانی از این مساله ترسی داشته باشند.

سخنگوی ستاد مدیریت بحران کشور در مورد هماهنگی دستگاه‌های دست‌اندرکار برای کمک به زلزله‌زدگان نیز گفت: هم‌اکنون (عصر دوشنبه) تمامی مسوولان از جمله وزیر کشور، وزیر بهداشت، رییس ستاد بحران کشور، رییس سازمان هلال احمر و... در محل حادثه حاضر هستند و از نزدیک وضعیت را رصد می‌کنند.

فرماندار قصرشیرین:

آب خوردنی ما آلوده شده است

فرامرز اکبری، فرماندار قصرشیرین، در گفت‌وگو با «اعتماد» در خصوص آخرین وضعیت این شهر تا عصر دیروز گفت: الان وضعیت شهر تقریبا آرام است. ولی بیشترین حجم خسارت در خود شهر قصرشیرین است. کما اینکه از ۵ نفر فوت شده این حادثه در شهر ما نیز، ۴ نفر از مردم شهر و یک نفر از میان نظامیان منطقه بوده‌اند. ۴۰ نفر مصدوم ما نیز اکثرا از میان اهالی خود قصرشیرین هستند. وی در مورد میزان خسارت ناشی از این زلزله گفت: تقریبا ۸۰ درصد از ساختمان‌های قصرشیرین بین ۱۰ تا ۵۰ درصد خسارت دیده‌اند و دیوار اکثر ساختمان‌ها ترک برداشته است.

اکبری یکی از بزرگ‌ترین مشکلات زلزله‌زدگان این شهر را کمبود چادرهای اسکان عنوان کرد و گفت: متاسفانه با وجود پیگیری‌های ما هنوز چادر برای ما ارسال نشده است و به همین دلیل نمی‌دانیم مردمی که خانه‌های‌شان را از دست داده‌اند و محلی برای سکونت ندارند، امشب را چگونه سپری خواهند کرد.

فرماندار قصرشیرین در ادامه با ذکر اینکه ۳-۲ نقطه برای اسکان حادثه‌دیدگان در نظر گرفته شده، گفت: با رسیدن چادرها، کمپ‌های‌مان در این نقاط دایر خواهند شد.

وی همچنین با ذکر اینکه هنوز نتوانسته‌ایم مشکل آب شهروندان را حل کنیم، گفت: خوشبختانه گاز و برق شهر و منطقه وصل است. تنها مشکل ما مشکل آب است که به خاطر زلزله منابع آب زیرزمینی ما آلوده و گل‌آلود شده و قابل استفاده به عنوان آب شرب نیست. برای همین نیاز مبرمی به بطری‌های آب و بسته‌بندی شده داریم.

آسیب‌های زلزله به آثار تاریخی

گروه اجتماعی | در زلزله یکشنبه شب، بیشترین خسارت به کرمانشاه، سرپل ذهاب و قصر شیرین وارد شد و در میان تمام آسیب‌های جانی و مالی و تخریب‌هایی که بر اثر زلزله اتفاق افتاد، آثار و بناهای تاریخی این شهرها هم دچار آسیب شدند. مدیران کل میراث فرهنگی استان‌ها به طور جداگانه گزارش این آسیب‌ها را به شرح زیر اعلام کرده‌اند:

- ۵ اثر تاریخی کرمانشاه شامل کاروانسرای شاه‌عباسی، عمارت خسرو و چهارقاپی در شهرستان قصر شیرین، قلعه یزدگرد در شهرستان دالاهو و زیج منیژه در سرپل ذهاب، دچار آسیب شدند.
- دو مجموعه تاریخی بیستون و طاق بستان کرمانشاه به طور کامل آسیب‌شناسی شده‌اند و هیچ مشکلی بر اثر زلزله برای آنها به وجود نیامده است.
- موزه‌های استان کرمانشاه در امنیت و به دور از هرگونه آسیب احتمالی هستند. میزان آسیب آثار در این استان حداکثر ۲۰ درصد و قابل احیا و مرمت است.
- ۹ بنای تاریخی ایلام از جمله گچ‌بری‌های شهر تاریخی سیمره در ایلام آسیب جدی دیدند. گچ‌بری‌های دیواری شهر تاریخی سیمره دچار ترک‌خوردگی و آسیب شدند. همچنین قلعه والی کهره در شهرستان کرداول، قلعه والی در شهر ایلام و موزه باستان‌شناسی و کاخ فلاحتی در شهر ایلام دچار آسیب شدند.
- بیشترین درصد آسیب دیدگی در بناهای تاریخی، ترک‌خوردگی روی دیوارهای اصلی است.
- دیوارهای موزه باستان‌شناسی دره‌شهر در ایلام نیز بر اثر شدت زلزله ترک خورده اما ویترین‌ها و آثار تاریخی داخل موزه از آسیب‌های احتمالی در امان مانده است.
- تیم‌های یگان حفاظت و کارشناسان میراث‌فرهنگی ادارات کل میراث‌فرهنگی استان‌های کرمانشاه و ایلام برای بررسی دقیق میزان تخریب و آسیب آثار تاریخی به مناطق مختلف اعزام شده‌اند.
- بخش زیادی از کاروانسرای عباسی قصر شیرین که در فهرست آثار ملی ثبت شده است، بر اثر زلزله تخریب شد.

همیاری کاربران شبکه‌های اجتماعی باعث شد پدر مروه احمدی دختر کرمانشاهی، او را در بیمارستان پیدا کند

گفت‌وگو

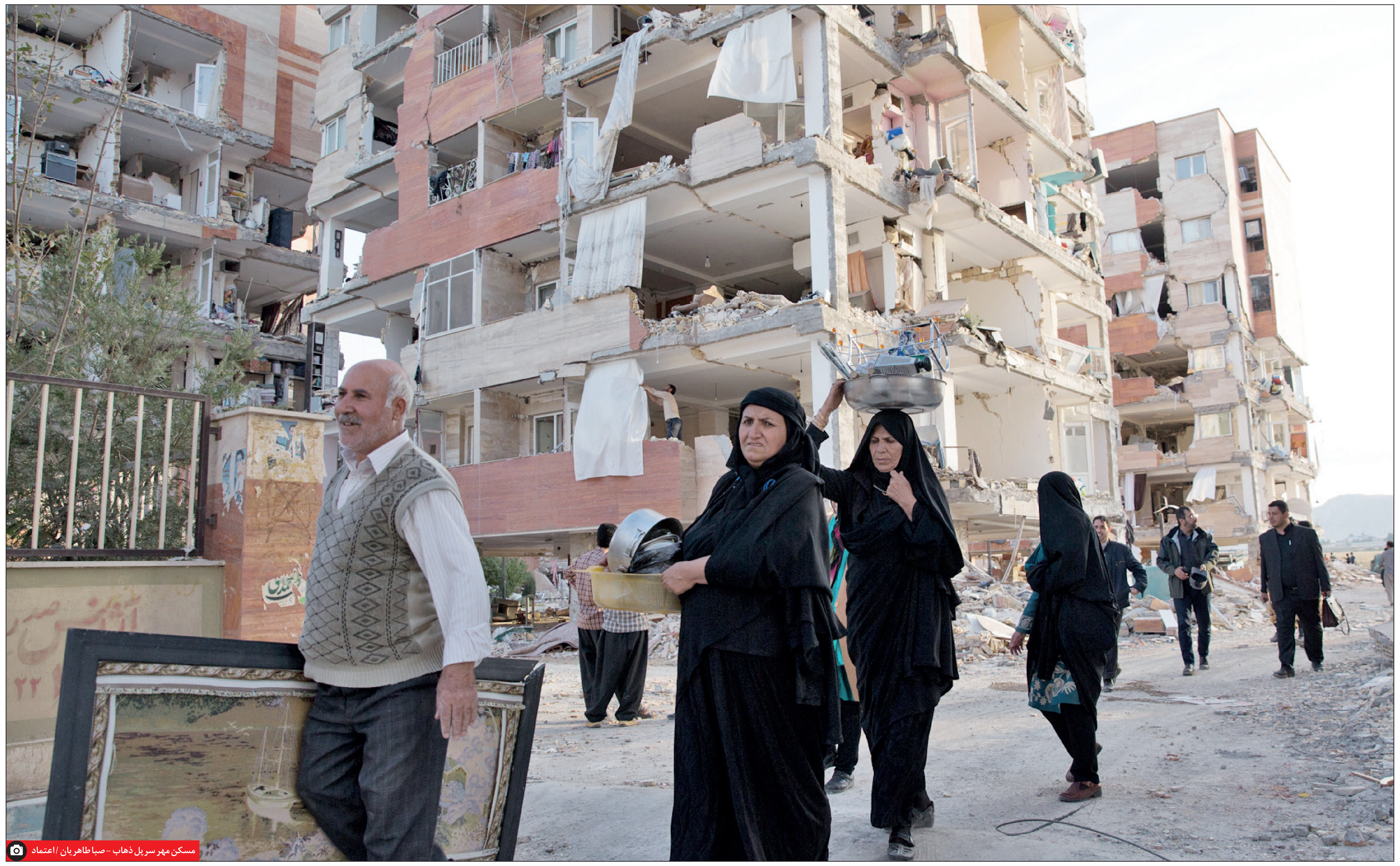

مسکن مهر سرپل ذهاب – صبا طاهریان / اعتماد

مهدی زارع، استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی، در گفت‌وگو با «اعتماد» زلزله کرمانشاه را فرصت و هشداری دوباره می‌بیند

بازگشت ۷ ریشتر پس از ۱۲۰۰ سال

بنفشه سام‌گیس

در گزارش مقدماتی که پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی منتشر کرده، آمده است: «ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه، زمین‌لرزه‌ای با بزرگای ۷/۳، در ۱۲ کیلومتری شهرستان تازه‌آباد استان کرمانشاه، مرز ایران و عراق به وقوع پیوست. کانون این زمین‌لرزه، ۱۶ کیلومتری گسل مرتفع زاگرس (با درازای ۱۳۷۵ کیلومتر)، ۲۵ کیلومتری گسل پیشانی کوهستان زاگرس (با درازای ۱۳۵۰ کیلومتر) و در فاصله ۳۰ کیلومتری شهرستان‌های قصرشیرین و سرپل ذهاب بوده در حالی که مدت زمین‌لرزه، ۳۰ ثانیه طول کشیده و در اغلب استان‌های کشور به خصوص مناطق غربی و مرکزی و حتی در ساختمان‌های بلندشهر تهران حس شده است. در حالی که شهرستان‌های سرپل ذهاب، قصرشیرین، جوانرود، ثلاث باباجانی و گیلانغرب، درگیر این زمین‌لرزه شده و بیشترین خسارت را دیده‌اند، پیشینه لرزه‌خیزی منطقه نشان می‌دهد که در بازه ۱۱۷ سال اخیر حدود ۳۳۶ زمین‌لرزه در اطراف کانون زمین‌لرزه ثبت شده که فقط ۲۰ مورد آن دارای بزرگای بیشتر و مساوی ۵ بوده و این نشان‌دهنده لرزه‌خیزی کم منطقه است.»

آنهایی که از شامگاه تا بامداد ۲۲ آبان ۱۳۹۶، در راهروهای بیمارستان‌ها و در جوار آوار خانه‌ها منتظر یک خبر امیدبخش بودند، اصلا نمی‌دانستند چنین پژوهشگاهی هم وجود دارد. آنها، تا عصر و غروب یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۶، فقط می‌دانستند سقفی بالای سر دارند و شغل کوچکی و در آمد ناچیزی که حداقل در فهرست ۴۰۰ هزار نفر بیکار استان قرار نمی‌گیرند. زلزله ۷ ریشتری اما تمام معادلات را برهم زد. استانی که نرخ بیکاری‌اش، ۶ درصد هم از میانگین کشوری بالاتر بود حالا گرفتار آوار زمین‌لرزه شده. اخباری که از صبح روز گذشته به صورت تصویری یا زیرنویس از شبکه‌های رسانه ملی پخش می‌شد، تاکیدی بود یا شاید هم هشداری که وضعیت این استان که بیکارانش را برای پایتخت، سوغات می‌فرستد چون دیگر زمینی نمانده و شغلی نمانده و دامی نمانده و انگیزه‌ای برای فردای بهتر نمانده که جوان بیکار را پاگیر کند، با این حجم آوار، با این حجم داغ و سوگ، بدتر از بد خواهد شد.

شاید فقط دل زمین برای مردم این استان سوخت که پیش هشدار داد. «۴۳ دقیقه پیش از وقوع زمین‌لرزه ۷/۳ ریشتری، یک پیش‌لرزه با بزرگای ۴/۵ اتفاق افتاد که جان خیلی‌ها را همین پیش‌لرزه نجات داد.» مهدی زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی، در گفت‌وگو با «اعتماد»، روزهای پیش و پس از زلزله، فراموشی‌های پیش و پس از زلزله ۲۱ آبان سرپل ذهاب را بازخوانی کرده است.

گفته می‌شود که آخرین زلزله با شدت بالای ۶ در کرمانشاه ۳۰۰ سال قبل اتفاق افتاده. شما علت خواب زمین در طول ۳۰۰ سال گذشته را چطور تحلیل می‌کنید؟

شدیدترین زلزله در منطقه سرپل ذهاب مربوط به سال ۹۵۸ میلادی است. منطقه زاگرس، منطقه لرزه‌خیزی است و اگر طی هزار سال اخیر، زلزله مهمی در این منطقه اتفاق افتاده، حتما اطلاعات تاریخی آن ثبت شده است. می‌توان فرض کرد که در این مدت، زلزله با بزرگای ۷ اتفاق نیفتاده اما وقوع زلزله با این شدت هم در این منطقه طبیعی است چون در این منطقه گسل‌های پی سنگی مهمی وجود دارد و بنا بر نتایج مطالعاتی که سال ۱۳۷۰ در این منطقه داشتم، علاوه بر شناسایی گسل عمقی و پی سنگی مهمی در این منطقه که نام آن را هم ذهاب گذاشتم، ساختارهای منطقه و لرزه‌خیزی منطقه را هم مشخص و بررسی کردم. گسل‌های پی سنگی، درون پوسته زمین کار می‌کنند منتهی در سطح زمین، تظاهرات بطنی متفاوت از چین خوردگی سطح گسل‌های مختلف و عوارض سطحی مختلف از خودشان به جا می‌گذارند در حالی که در زیر پوسته مشغول فعالیت هستند و شواهد ژئوفیزیکی و اطلاعات زمین‌شناسی هم وجود آنها را تایید می‌کند.

وجود این نوع گسل می‌تواند برای تراکم منطقه یک عامل خطر باشد؟

این گسل همیشه بوده و کل لبه چین خوردگی‌های زاگرس چنین شرایطی دارد از جمله در دزفول و کم و بیش در بوشهر و با وضعیت بسیار شدید، در بندرعباس. اما خوشبختانه این منطقه کم جمعیت است. البته ما در این منطقه، انتظار نداریم که زلزله با بزرگای ۷، هر ۳۰ سال یک بار اتفاق بیفتد. البته منطقه لرزه‌خیز است اما زلزله با بزرگای ۷ دیر به دیر در این منطقه رخ می‌دهد. در مورد زلزله ۲۱ آبان سرپل ذهاب هم پیش‌فرض اولیه این است که بازگشت همان زلزله یک‌هزار و ۲۰۰ سال قبل باشد.

با وجود اینکه کانون زلزله در مرز ایران و عراق بوده اما مناطق آسیب دیده، اغلب در خاک ایران واقع شده. علت این اتفاق را چطور تحلیل می‌کنید؟

فعلا به این اطلاعات چندان اعتماد نداریم چون کانون زلزله، روی نوار مرزی بوده اما برخی مراکز زلزله‌شناسی، کانون را متمایل به مرز ایران و برخی، متمایل به مرز عراق شناسایی کرده‌اند در حالی که کانون، دقیقا روی نوار مرزی قرار دارد اما توجه کنیم که در حاشیه نوار مرزی ایران، جمعیت بیشتر و روستاها و شهرهای بیشتری قرار دارد و گزارش دهی از این مناطق هم بیشتر است در حالی که علت تلفات و آسیب‌های کمتر در عراق، ممکن است به دلیل جمعیت کمتر و گزارش دهی کمتر باشد؛ ضمن آنکه باید بطور کلی بپذیریم که منطقه ما، لرزه‌خیز است و البته، همین منطقه لرزه‌خیز، پر جمعیت هم هست و ما با تراکم بیشتری از شهرها و روستاها در نوارهای مرزی مواجهیم.

شما همیشه ارتباط ساعت وقوع زلزله و میزان تلفات را مورد توجه قرار داده‌اید. برخلاف انتظار، در زلزله سرپل‌ذهاب، آمار کشته‌شدگان در مقایسه با تعداد مجروحان، قابل توجه و بالاست. وقوع زلزله در ساعت ۹ و ۴۸ دقیقه شب تا چه حد در بالا بودن تلفات تاثیر داشته؟

ساعت وقوع، ساعت بینابین بوده، ساعتی که مردم در خیابان نبودند و در خانه بودند اما ضمنا، اغلب مردم بیدار بودند که بیدار بودن شهروندان، جنبه مثبت و موثر در کاهش تلفات جانی بوده اما از سوی دیگر، در ساعت وقوع، مردم زیر سقف خانه‌ها و در فضاهای بسته بودند و بنابراین، آسیب‌پذیری افزایش یافته است و این، جنبه منفی ساعت وقوع زلزله است چرا که اگر زلزله، در ساعت ۴ بعدازظهر اتفاق می‌افتاد، ساعتی که مردم اغلب در خیابان‌ها بودند، تلفات کمتر می‌شد و حتی اگر ساعت وقوع زلزله، ۲ بعدازظهر و زمان فعالیت مدارس بود، تلفات جانی به مراتب افزایش می‌یافت اما اگر ساعت وقوع، ۲ نیمه شب و زمان خواب مردم بود هم، ما با تلفات خیلی بالا مواجه می‌شدیم.

اخیرا هشداری را مطرح کردید که مصداق بارز آن در زلزله کرمانشاه مشهود بود: آسیب‌پذیری مناطقی موسوم به بافت فرسوده جدید. از صبح روز گذشته در خبرهای رسانه ملی اعلام می‌شد که بیمارستان‌های قصرشیرین، سرپل‌ذهاب و اسلام‌آباد دچار آسیب‌های قابل توجه شده و همچنین خانه‌های مسکن مهر هم از خسارات زلزله در امان نبوده است. آیا هشدار جدیدی درباره فرسودگی بناهای نوساز دارید؟

هشدار خاصی ندارم چرا که هر فردی، حتی یک‌بار هم از مناطق غرب کشور بازدید کرده باشد می‌تواند به این پیش‌بینی برسد. در بازدیدی که به اتفاق شما از منطقه بویین‌زهرا داشتیم، خانه‌های مسکن مهر را دیدیم که همه جا سبز شده‌اند. در مورد خانه‌های مسکن مهر که در غرب کشور ساخته شده هم، این انتظار را داریم که با وقوع زلزله ۶ یا ۷ ریشتر، شنونده اخباری مشابه خبرهای یکشنبه شب و بعد از اعلام وقوع زلزله در سرپل‌ذهاب باشیم. ساخت و سازهای ضعیف، متاسفانه مثل مین‌گذاری در تمام کشور است اما اینکه وضعیت کدام یک، بدتر و کدام یک بهتر است، هنوز قابل پیش‌بینی نیست و اما در مجموع، ساخت و سازهای اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ خوشنام نیستند چنان که در زلزله سال ۹۱ ورزقان و زلزله سال ۹۳ مورموری ایلام هم جواب بدی داد و حتی اخبار آزمون ۲۱ آبان ۱۳۹۶ سرپل ذهاب هم، خبرهای خوبی نیست. حتی در هر اتفاق مشابه، باز هم انتظار داریم یکی از جبهه‌های اصلی آسیب‌دیدگی، مربوط به ساخت و سازهای جدیدی باشد که با ارزان‌ترین قیمت ساخته شده و با اسم‌های مختلف همچون مسکن مهر به مردم فروخته شد.

بنا بر اخبار رسمی، با وجود آنکه تمام استان‌های مرزی از زلزله ۲۱ آبان سرپل ذهاب متاثر شده‌اند و کانون زلزله هم در مرز استان کرمانشاه قرار داشته، اما شهرهای بزرگ در استان‌های همجوار همچون ایلام و همدان و حتی شهر کرمانشاه، خسارات مالی و جانی نداشتند.

چنین انتظاری هم نداشتیم چون زلزله‌های زاگرس، اگر بزرگای زیادی داشته باشند معمولا در شعاع دورتر از ۱۵۰ کیلومتر خسارت بزرگی ایجاد نمی‌کنند. ایلام و کرمانشاه و همدان هم حدود ۱۵۰ کیلومتر از کانون زلزله فاصله داشتند اما فراموش نکنیم که این زلزله در تهران هم حس شده هرچند، به این معنا نیست که با وقوع این زلزله، گسل‌های تهران یا همدان یا تبریز فعال شده باشند.

بیشترین تلفات، طبق معمول تمام زمین لرزه‌ها در ایران، در بافت فرسوده و غیر مقاوم اتفاق افتاده است. با توجه به زلزله خیزی تمام کشور، چه هشداری درباره نادیده گرفتن اهمیت مقاوم‌سازی بناها و تاثیر آن در افزایش تلفات ناشی از زلزله دارید؟

با گذشت ۲۰ سال و ۶ ماه از زلزله اردکول قائن که زلزله کم‌عمق با بزرگای بیش از ۷ بود و با گذشت ۴ سال و ۶ ماه از زلزله سراوان که آن هم در منطقه کم جمعیت رخ داد، با زلزله‌ای مواجه شدیم که مشابه اکثر زلزله‌های ایران نیست و فکر می‌کنم، این فرصت دوباره‌ای است برای ما که یک بار دیگر فکر کنیم، اگر کانون زلزله سرپل ذهاب، در خود سرپل‌ذهاب بود، چه بسا با فاجعه‌ای مشابه زلزله بم مواجه شده بودیم، با تلفات بالای چند هزار نفری و چند ده هزار نفری. کانون این زلزله وسط کوه و یک منطقه تقریبا خالی از سکنه بود که می‌توان گفت از این بابت، شانس آوردیم اما این زلزله، بار دیگر به ما هشدار می‌دهد که سرزمین ما لرزه خیز است و باید به هوش باشیم که اگر این اتفاق برای شهرهای بزرگ‌مان همچون تهران و تبریز و مشهد اتفاق بیفتد با چه فاجعه انسانی مواجه خواهیم شد. تمام زلزله‌ها، می‌تواند مثل زلزله ۲۱ آبان سرپل ذهاب نباشد و می‌تواند مثل بم باشد و در یک شهر ۱۰۰ هزار نفری و حتی بدتر، در شهری با بیش از یک میلیون نفر جمعیت. زلزله سرپل ذهاب، چراغی بود که روشن و خاموش شد و فرصت دیگری به ما داد که در برنامه‌های‌مان تجدیدنظر کرده و به مناطق پر جمعیت شهری فکر کنیم.

ادامه از صفحه اول

بحران و اجتماعات محلی

این دیدگاه بعد از زلزله بم به کرات مطرح می‌شد. اما پاسخ افرادی که چنین دیدگاهی را مطرح می‌کنند این است که پس تکلیف کودکانی که در این حوادث از بین می‌روند چیست؟ یا اگر فردی عملی مرتکب شده که چنین عقوبتی نصیبش شود، پس بقیه افراد نقش و گناه‌شان چیست؟ از سوی دیگر در رسانه ملی تحلیل‌های روانشناسی را در مورد هر موضوعی لحاظ می‌کنند و همیشه این روانشناسان هستند که مسائل مختلف را از فقر و بیکاری گرفته تا حوادث رانندگی و بلایای طبیعی و موارد دیگر را تحلیل و عوامل اتفاقات را به سطوح فردی تقلیل می‌دهند. در میان تمام این دیدگاه‌های مطرح و موجود، بینش جامعه‌شناختی در مقیاس اجتماعی، بسیار ضعیف است.

اطلاع‌رسانی چندرسانه‌ای باعث شده تا تحلیل‌های بسیاری در زمینه اخبار و تصاویر منتشرشده مطرح شود، یکی از مهم‌ترین‌های آنها در زلزله کرمانشاه، آسیب‌های جدی وارد شده به انبوه‌سازی مسکن مهر است که در تصاویر دیده می‌شود، و درست در سوی دیگر خیابان منازلی که شهروندان ساخته‌اند کمتر آسیب دیده است.

اگر ما این تصاویر را بخشی از واقعیتی بدانیم که در مناطق زلزله‌زده اتفاق افتاده است، سوالات مهمی از سوی شهروندان مطرح می‌شود که دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و مسوولان مرتبط باید بتوانند به این سوالات پاسخ‌های سریع و قانع‌کننده بدهند. اینکه چرا در منطقه‌ای که روی گسل اصلی زلزله است، خانه‌ها اینچنین ساخته می‌شوند؟

این سوالات نیاز به پاسخ‌ها و پیگیری فوری به لحاظ فنی و قضایی دارد، زیرا که شهروندان در سایر مناطقی که این خانه‌ها را دریافت کرده‌اند، آرامش خود را از دست می‌دهند.

همان‌طور که برای امداد رسانی نیروها بسیج می‌شوند، بلافاصله باید یک بسیج هم شکل بگیرد برای پاسخ‌گویی به سوالاتی که در مورد ساخت‌وسازها و بسترهای نامناسب امداد و نجات، رسیدگی به مصدومان، اسکان اضطراری و... مطرح می‌شوند. تمام این سوالات باید روی میز نگه داشته شوند و به آنها پاسخ داده شود تا آنچه به عنوان شایعه معرفی می‌شود کاهش پیدا کند.

نکته بعدی که پس از وقوع حوادث طبیعی مانند زلزله (که ساختارهای موجود در جامعه ما، آن را به بلا و فاجعه تبدیل می‌کند) پدید می‌آید، احساس همدلی عمومی است. در چنین مواقعی همه مردم این سوال را دارند که اگر در مناطق آسیب دیده بودند چه توقعی از دیگران داشتند. سازمان‌های مردم نهاد به شکلی وسیع در جریان زلزله بم و بعد از آن در بروجرد و آذربایجان، در این زمینه تجربه دارند. رسانه‌ها می‌توانند از این نهادها دعوت کنند تا در مورد تجارب‌شان صحبت کنند و بگویند در چنین مواقعی به خصوص پس از ساعات طلایی نجات، چگونه با کمک بازماندگان، داوطلبان و کمک‌های جمع‌آوری شده نشاط زندگی را به آنان، به ویژه کودکان بازگردانند.

بعد از زلزله بم این پیشنهاد مطرح شد که بهتر است پیش از وقوع زلزله، در هر محله کانکسی قرار داده شود که داخل آن ملزوماتی قرار گیرد که در مواقع بروز بحران‌هایی مثل زلزله مورد استفاده قرار گیرد. و در هر زمان افراد داوطلبی از هر محله آموزش‌های لازم را برای مواقع بحرانی ببینند تا بتوانند به بازماندگان از زلزله امداد رسانی کنند. آنان همچنین می‌توانند کمک‌های مردمی را مدیریت کنند و در عین حال قبل از اینکه نیروهای امدادی به منطقه برسند، کمک‌رسانی‌های اولیه را انجام دهند. در سه مرحله مدیریت بحران در محله‌ها اهمیت دارد، اول امکاناتی که بشود آوارها را تا حدودی جابه‌جا کرد و دوم جمع کردن کودکان در محله که به شکل‌های گوناگون در خطر هستند و نیاز به حمایت دارند و سوم برپایی سرپناه برای بقیه آسیب‌دیدگان در محل‌هایی که از قبل تعیین شده است. «هر خانواده یک امدادگر» باید به همراه خود ملزومات مورد نیاز برای امدادرسانی را در اختیار داشته باشد. اما موضوع مدیریت بحران متکی بر ظرفیت اجتماعات محلی که از زلزله بم مطرح شد. در این سال‌ها مدام تکرار و مدام فراموش شده است.

به بیان ساده‌تر در صورت استفاده از ظرفیت اجتماع محلی برای مدیریت بحران، اگر هر کسی آسوده خاطر باشد که همسایه‌ای دارد که می‌تواند به خانواده او کمک کند، در وضعیت‌های بحرانی به وجود آمده نیازی نمی‌بیند که به نقاط دیگر شهر برود تا به خانواده و آشنایان خود کمک کند، بلکه در محله خود به همسایگان و اطرافیان امدادرسانی می‌کند. در کشور ما باید در مناطقی که روی گسل قرار دارند، از همین امروز، قبل از واقعه، ظرفیت‌های امدادرسانی محلی آماده باشد و مسوولیت طراحی و اجرای آن هم نه اداری یا نظامی بلکه مردم نهاد باشد که بتواند همه شهروندان علاقه‌مند را پوشش دهد.

از طرف دیگر بعد از وقوع حوادثی مثل زلزله یک همدلی عمومی هم ایجاد می‌شود و در مورد زلزله کرمانشاه هم این نکته وجود داشت. اما این نکته که از این همدلی چطور می‌توان به عنوان یک سرمایه اجتماعی استفاده کرد نیاز به برنامه‌ریزی دارد. اگر در هر محله‌ای اعلام شود که ای کسانی که دچار عواطف انسانی شده‌اید، کدامیک از شما آماده‌اید تا در محله خود با کمک مسوولان مدیریت بحران منطقه، محل زندگی‌تان، فضایی که مناسب استقرار چادرها در مواقع بحرانی است را شناسایی کنید چه کسانی آماده‌اند آموزش‌های لازم برای کار با کودکان در شرایط بحران را ببینند؟ کانکسی که ابزارهای امدادرسانی اولیه در آن قرار گیرد، در کدام قسمت محله می‌تواند قرار بگیرد؟ چه کسانی آمادگی دارند کار با ابزارها و امکانات را بیاموزند و به امکانات دریافتی رسیدگی کنند؟

باید افراد توانمند در زمینه حمایت کودکان جزو داوطلب‌هایی باشند که در محله آموزش‌های لازم را می‌بینند. ضروری است که در هر محله‌ای یک تیم اطلاع‌رسانی هم وجود داشته باشد که با خارج از محله در ارتباط باشد و نیازهای محله را به گوش مسوولان تیم‌های امدادرسانی برساند.

ظرفیت اعتماد و همدلی و اشتیاق عمومی باید هدایت شود به سمت تشکیل گروه‌های داوطلب محله‌ای که بتوانند خیلی سریع به موضوع امدادرسانی ورود کنند. به طور مشخص در مورد زلزله تهران، به دلیل مشکلات معابر و دسترسی‌ها، امید چندانی وجود ندارد که از خارج از تهران امدادگرانی بیایند که بخواهند در زمان مناسب کودکان و خانواده‌ها را نجات داده و استقرار موقت را سامان دهند.

سیستم مدیریت بحران ما باید از نگاه امنیتی خارج شود و برسد به مفهوم مشارکت اجتماعی. این مشارکت تنها در برنامه‌ریزی و اجرا نیست بلکه در ارزیابی هم مطرح است. هر محله‌ای باید بتواند تکلیف خود را با حوادث غیرقابل پیش‌بینی روشن کند. اگر این اتفاق بیفتد یک همبستگی پیش از بحران شکل می‌گیرد که می‌تواند تبدیل به نوعی سرمایه اجتماعی پایدار به دلیل سرنوشت مشترک شود. سرمایه‌ای که می‌توان به آن اعتماد کرد.

*جامعه‌شناس

توییتر

لرزه بر جان دنیای صفر و یک

فرزانه قبادی

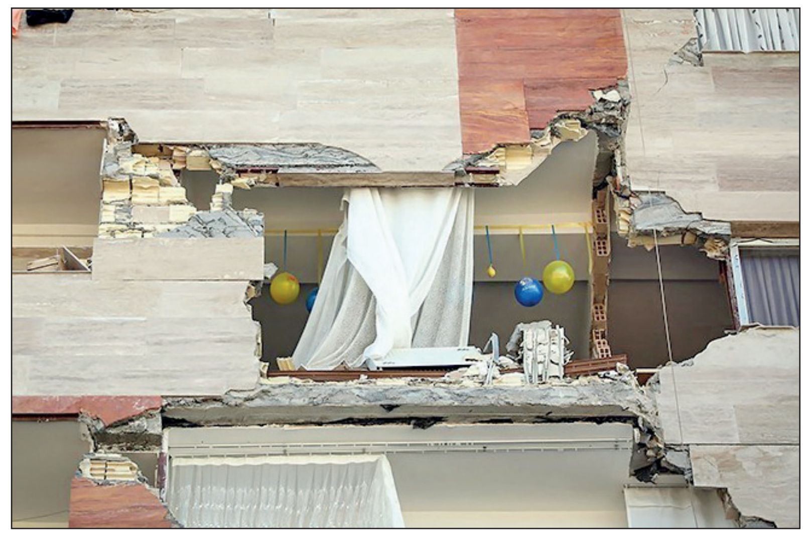

ساعت ۱۰ شب یکشنبه. پیام‌های «الان همدان زلزله اومد»، «تبریز هم لرزید»، «کرمانشاه لرزش عجیب بود»، «تهران هم زلزله اومد» یکی پس از دیگری در توییتر منتشر شد. هنوز پیام‌ها با نام فاجعه گره نخورده. هنوز فقط حرف از زلزله است. مرکز زلزله حلبچه در سلیمانیه عراق است. دقایقی بعد شبکه خبر دست به کار می‌شود. در شبکه‌های اجتماعی غوغای دیگری به پاست. از همدان ویدئوهایی منتشر می‌شود که نشان می‌دهد زمین عصبانی‌تر از آن است که تصور می‌کردیم.

ساعت ۱۲ شب واژه «زلزله» به زبان عربی و ترکی ترند جهانی توییتر شد. ویدئوهایی از شهرهای تاریک زلزله‌زده منتشر می‌شود و اهالی کرمانشاه و سرپل‌ذهاب و قصرشیرین اخبار ویرانی‌های زلزله را در قاب عکس و قالب جمله می‌رسانند به گوش هموطنان؛ مسوولان روی خط تلویزیون و رادیو، دورتر از محل حادثه‌اند و گزارش می‌دهند و از پرواز هلی‌کوپترها به محض روشن شدن هوا خبر می‌دهند و تاکید می‌کنند که در شب امکان پرواز بر فراز منطقه را ندارند. دنیای مجازی لرزیده، روزهای تلخ بم و ورزقان و رودبار دوباره پیش چشم و توی ذهن آدم‌ها رژه می‌روند، مهسا در توییتر می‌نویسد: «زلزله سال ۶۹ رودبار و منجیل، رشت بودم. سنم خیلی کم بود اما هربار اسم زلزله میاد، صحنه به صحنه‌اش یادم میاد. چادری که چند شب در آن زندگی کردیم، املتی که بابا با پیکنیکی درست کرد و صحنه آخر: راه‌ها باز شد و به تهران رفتیم. از رودبار و منجیل مطلقا هیچ باقی نمانده بود، مطلقا هیچ! حالا وقتی فکر می‌کنم، تعداد زیادی بالای آوارها ایستاده‌اند و خانواده‌شان زیر آوار، دلم میریزه و رعشه می‌گیرم. مصیبت زیر آوار نیست، بیرون آوار است.» امید هم بم را اینطور مرور می‌کند: «موقع زلزله بم خاطره‌ای از یک راننده تریلی تعریف می‌کردند که یک ساعت قبل وقوع زلزله خواب‌آلوده ماشینش را بغل جاده نگه می‌دارد. بعد زلزله بی‌خبر از همه جا بیدار می‌شود و به سمت بم رانندگی می‌کند. وارد شهر ویران شده می‌شود! تصویری آخرالزمانی‌تر از این؟» پوریا هم در توییترش درمورد تجربه‌اش در ورزقان می‌نویسد: «زلزله آذربایجان ۱۰ روز بودم و گزارشش را آن موقع در روزنامه اعتماد نوشتم. خلاصه گزارش این بود: از دست هیچ کس کاری ساخته نیست چون از قبل فکری به حال چیزی نشده.» حالا معلم حادثه دوباره به دلیل درس نگرفتن از بحران‌ها، تنبیه سختی برای‌مان زیر سر گذاشته. حالا قرار است همان تجربه‌های بم و ورزقان و رودبار را دوباره تجربه کنیم. بحران شاید خود ما باشیم که بحران‌ها را به ماه نرسیده به صندوق خاک گرفته روزمرگی می‌سپاریم تا بحران بعد.

نیمه‌های شب توصیه‌نامه‌ها در تلگرام و توییتر ردیف می‌شوند: «به هر کسی برای جمع‌آوری و ارسال کمک اعتماد نکنید»، «لباس گرم، پتو، کفش بچگانه اینها مواردی است که بیشترین نیاز به آنها وجود دارد» بهمن توصیه‌اش را اینطور توییت می‌کند: «به نظر من در مواقع بحران باید به سازمان‌های مسوول (در این مورد مشخص هلال احمر) اعتماد کرد. در هر صورت اونا برای این کار آموزش دیدن و هر ضعفی هم داشته باشن از من و امثال من بهتر می‌فهمن. در وهله بعد هم سازمان‌های مردمی که تجربه سازماندهی و امدادرسانی دارن، مثل انجمن احیا.»

یک شب زنده‌داری ملتهب. چند دقیقه یک بار خبر لرزیدنی دوباره؛ خاورمیانه لرزیده. کویت. اردن. قطر. امارات. لبنان. زنجان. همدان. اراک. تهران. ری. کاربران از همه جای ایران و کشورهای همسایه در مورد قهر زمین می‌نویسند. زلزله کلیدواژه مشترکی است میان کاربرانی که خاورمیانه را می‌شناسند. نیما از بد حالی خاورمیانه می‌نویسد که هنوز زیر بار سنگین جنگ کمر راست نکرده: «نزدیکان میگن نه تنها سرپل‌ذهاب با خاک یکسان شده بلکه حلبچه هم توی خاک عراق کاملا نابود شده؛ مردمانی که چهل سال پیش با بمب‌های شیمیایی زخم خوردن و امروز هم با زلزله» صالح هم از حال و روز غرب ایران در روزهای دور و نزدیک جنگ و زلزله می‌نویسد: «غرب کشور هنوز کمر راست نکرده است از آن جنگِ غریب. هنوز چشم‌های شیمیایی‌زده و دست‌های بی‌انگشت، هنوز پاهای به مین و تیر افتاده، هنوز هستند و هنوز، آدم‌ها مجبورند به زیستن میان جنگ و زلزله.»

شب تلخ صبح نمی‌شود. دلهره و اضطراب. آمارها می‌رسد. ۶ کشته. اما قرار بر این نیست که آمار تک رقمی بماند. فاجعه وسعتی بیش از این دارد. مسوول اورژانس کشور چند ساعت بعد، از عددی سه رقمی برای آمار کشته‌ها استفاده می‌کند. بالغ بر ۱۰۰ نفر، ظهر نشده این آمار می‌شود ۳۰۰ کشته و عصر هم آخرین خبرها می‌گویند زلزله کرمانشاه چشمان ۴۰۰ نفر را برای همیشه بست.

شهر نمی‌خوابد که بخواهد بیدار شود. روز شده و چشم‌انداز شهرهای غربی زیر نور خورشید، ویرانه‌های باقی‌مانده از شب پیش را به رخ می‌کشد. سرپل‌ذهاب بیش از دیگر شهرها آسیب دیده. بیمارستان شهر کاملا ویران شده. بیماران و تیم پزشکی حالا خود جزو قربانیانند. عکس تل آوار بیمارستانی که عمر چندانی هم نداشته، دست به دست می‌شود. شهر پر از خبر حادثه است. خبرنگاران رسیده‌اند و خبرها را رسمی‌تر مخابره می‌کنند. اما خبرنگاران خارجی اجازه ورود به منطقه زلزله‌زده را پیدا نمی‌کنند. توماس اردبرینک، خبرنگار نیویورک‌تایمز در توییترش نوشت: «خبرنگاران خارجی اجازه سفر به مناطق زلزله‌زده ایران را پیدا نکردند. به ما گفتند صبر کنید تا وزارت کشور برنامه‌ای برای بازدید شما از مناطق زلزله زده در نظر بگیرد.»

یک تصویر تلخ و گزنده می‌شود عکس روز. خانه‌ای ۶ طبقه، ویران. پرده‌های حریر با زمختی بنا تضادی ماندنی ساخته‌اند. زیرنویس عکس می‌گوید ساختمان‌ها در پروژه مسکن مهر ساخته شده‌اند. خشم دو چندان می‌نشیند کنار بی‌تدبیری‌های گذشته. مسکن مهر؛ پروژه‌ای که با شکست شروع شد و حالا تبدیل به نمادی شده از زلزله یکشنبه شب غرب کشور. ریحانه در همین رابطه در توییترش نوشت: «چه مسکن مهر، چه آن بیمارستانی که همه در زیر آوارش مدفون شدند و از سال ۷۲ بازسازی نشده، چه خانه‌های کاهگلی که خراب شدند و چه و چه و چه حاصل کار یک دولت نیست، حاصل سال‌ها بی‌تدبیری و ضعف در مدیریت کلان کشور است. چه این دولت، چه اون دولت، چه اون یکی دولت و بعد از این هم همینه» مسعود هم یکی از صدها کاربری بود که در مورد مسکن مهر و وضعیت بناهایی که در این پروژه قد کشیدند، نوشت: «مسکن مهر را هر دولتی ساخته و تحویل داده مهم نیست. اینجا کسی را محاکمه نخواهند کرد اکنون صحبت و نگرانی از امنیت میلیون‌ها ساکن این ساختمان‌ها در سراسر کشور است. ای که از دست می‌رسد کاری بکن. بعد از پلاسکو بحران ایمن نبودن ساختمان‌ها مطرح شد. چند ساختمان بعد اون فاجعه ایمن‌سازی شد؟! تقریبا هیچ! مسکن مهر را دریابید تا وقت هست.» امیر هم در قالب یک تیتر به این موضوع پرداخت و نوشت: «مسکن مهر، از پس‌لرزه‌های احمدی‌نژاد فرو ریخت.» و هشتگ «مسکن بی‌مهر» در همین جملات در توییتر و به همراه تصاویر هوایی از پروژه زلزله‌زده مسکن مهر کرمانشاه شکل می‌گیرد.

اینستاگرام پر از اشک و غم و سیاهی، عکسی دست به دست می‌شود، کاربران عکسی تکان‌دهنده را با کپشن‌های مختلف منتشر می‌کنند؛ تصویری از دیواری که فروریخته و از پس پرده‌ای سفید چند بادکنک رنگی که نشان از جشن تولدی کودکانه در طبقه چهارم خانه دارد از پس آوار سرک کشیده‌اند و خود را به رخ لنز دوربین کشیده‌اند، کیمیا در کنار تصویر پنجره‌ای که خبر از یک جشن تولد نیمه کاره می‌دهد در اینستاگرام نوشت: «و من از خودم می‌پرسم چقدر غم برای یه شهر بسه؟ چقدر عذاب؟»

آدم‌هایی که بر ویرانه‌ای حیرانند یا در تلاش برای نجات. تصویری غالب از زلزله. خاک و آهن و کوه آوار. خبر می‌رسد از زایران اربعین و مرزدارانی که در ایلام میزبان زایران بوده‌اند. حالا پیشنهاداتی مطرح است از انتقال موکب‌ها و ایستگاه‌های صلواتی که در مسیر پیاده روی اربعین فعال بودند، به مناطق زلزله‌زده. مرتضی در تلگرام این پیشنهاد را مطرح می‌کند و در کنار خبری در مورد جمع‌آوری موکب‌های اربعین می‌نویسد: «چرا موکبها رو جمع می‌کنن؟ وسایل رفاهی و چادرهای زایران رو بدن به مردم زلزله‌زده، هم چادر دارن و هم غذا و آب.»

علاوه بر کاربران توییتر مسوولان و مقامات کشورهای مختلف هم در همین شبکه پیام‌های همدردی با مردم ایران را منتشر کردند. نخست‌وزیر هند در توییترش نوشت: «همدردی خود را با بازماندگان این تراژدی بزرگ در ایران و عراق اعلام می‌کنم و دعا می‌کنم مصدومان این حادثه هرچه زودتر سلامتی خود را به دست آورند.» نخست‌وزیر کانادا هم در حساب شخصی‌اش در توییتر با تراژیک خواندن این اتفاق، نوشت: «امروز اخبار غم‌انگیزی از ایران و عراق رسید. مردم کانادا عمیقا با خانواده‌های زلزله زده همدردی می‌کنند.» نخست‌وزیر ترکیه هم نوشت: «ترکیه خود را در مورد حمایت از قربانیان زمین‌لرزه یکشنبه شب در مرز ایران و عراق متعهد می‌داند.»

یکشنبه شب فقط زمین زیر پای خاورمیانه‌ای‌ها نلرزید؛ دل بسیاری از مردمی که عزیزی در این منطقه داشتند و کیلومترها دورتر بودند هم لرزید و لرزه‌اش صفر و یک‌های مجازی را مرتعش کرد. حالا خبرهای تلخ ردیف شده‌اند. آمارها روندی فزاینده دارند و التهاب از زیر آوار بیرون آمده و در شهر قدم می‌زند. کاش این‌بار فراموش نکنیم آنچه را که گذشت. بدتر از همه این توییت مرجان که خبرنگار است، بود: «دردناک اینکه تعداد زیادی از کشته‌های زلزله سرپل‌ذهاب بیماران بستری‌شده در بیمارستان این شهر بودند که ویران شده.»

دلنوشته

زلزله شد
سقف ریخت
روی
عروسکم
خدا را شکر طوری نشد
او یک پایش شکست
من مُردم

مادرم به آسمان افتاد
پدرم
بالاترین شاخه‌های درخت را
در آغوش کشید
و
شب شد

شب سختی بود
عروسکم دنبال من می‌گشت
پدرم دنبال لانه شکسته پرستوها
مادرم دنبال موهایش
که زیر دیوار سیمانی گم شده بود

بعد از زلزله
ما
بیشتر شده بودیم
که هیچکس
هیچکس را پیدا نمی‌کرد!

نادر پناه‌زاده

نبض

زندگی و دیگر هیچ

تسنیم | یک نوزاد در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه و با کمک پزشکان نیروی زمینی ارتش در بیمارستان صحرایی تیپ ۷۱ ابوذر مستقر در منطقه زلزله‌زده سرپل‌ذهاب به دنیا آمد.

خبر

رییس ستاد بحران تهران:

زلزله کرمانشاه ربطی به تهران ندارد

دکتر احمد صادقی، رییس ستاد بحران تهران با اشاره به احتمال وقوع زلزله در تهران گفت: در اینکه تهران شهر زلزله‌خیزی است شکی نیست ولی اینکه بخواهیم بگوییم زلزله کرمانشاه باعث بروز زلزله در تهران شود اصلا درست نیست، چرا که اصولا زلزله کرمانشاه به خاطر فعال شدن گسل‌های زاگرس است و ربطی به گسل‌های البرز که تهران در آن قرار دارد، ندارد.

وی همچنین در خصوص میزان آمادگی تهران برای رویارویی با زلزله احتمالی در آن گفت: مقوله زلزله تهران کاملا با سایر شهرها متفاوت است. چرا که براساس برآوردهای انجام شده میزان آمادگی «مردم» تهران برای مواجهه با زلزله کمتر از ۱۰ درصد است. ضمن آنکه وضعیت دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط نیز چندان چنگی به دل نمی‌زند و نمی‌توان گفت وضعیت خوبی دارند. بنابراین اگر در تهران زلزله‌ای رخ دهد، حتی اگر تمام امکانات کشور نیز بسیج شوند و در صورتی که «فرض» کنیم، هماهنگی کاملی بین دستگاه‌ها برقرار باشد، باز هم فاجعه‌ای تاریخی رخ خواهد داد!

صادقی همچنین در خصوص علت بازدید شهردار تهران از ستاد بحران نیز گفت: شنیده می‌شود که گفته شده شهردار تهران به خاطر احتمال وقوع زلزله در تهران به اینجا آمده بود. در حالی که اصلا اینچنین نیست، بلکه شهردار تهران عضو ستاد بحران کشور هستند و برای همین به ستاد بحران تهران آمدند تا هماهنگی‌های لازم برای ارسال تجهیزات و امکانات برای مناطق زلزله‌زده را انجام دهند.

به گفته وی از صبح دیروز، حجم بسیار زیادی کمک‌های مختلف شامل آب معدنی، پتو، چادر، ماشین‌های سنگین و نیمه‌سنگین و... به همراه نیروی انسانی، از سوی شهرداری تهران برای مناطق زلزله‌زده اعزام شده است.

رییس ستاد بحران تهران که خود به عنوان نماینده شهردار تهران از نخستین ساعت‌های بروز حادثه در ستاد بحران کشور حاضر بوده است در خصوص کیفیت عملکرد این ستاد گفت: در مجموعه عملکرد خوبی را داشتیم. به خصوص هماهنگی خوبی بین دستگاه‌های مرتبط و نیروی انتظامی برقرار بود که کمک شایانی به امدادرسانی به موقع به حادثه‌دیدگان کرد. اما درعین حال هنوز هم در بخش‌هایی ضعیف هستیم. مثل کمبود امکانات و تجهیزات. به عنوان نمونه، اگر بالگردهای ما امکان پرواز در شب را ندارند. یا اینکه سیستم ما از ارتباطات پایداری برای جمع‌آوری اطلاعات و آمار خسارت‌ها نداریم. چه بسا اگر این امکانات فراهم بود، بهتر می‌شد با چنین حوادثی روبه‌رو شد و جان شهروندان بیشتری را نجات داد.

پس‌لرزه اقتصادی

نمره ردی مسکن‌مهر در نخستین آزمون

پروژه ۱۰ساله مسکن مهر، تابوت‌هایی برای ساکنانش شد

خبرآنلاین

واحدهای مسکونی مهر با ساکنان‌شان بی‌مهری کردند و به شکل گسترده‌ای در زلزله کرمانشاه، سرپل‌ذهاب، قصرشیرین و ایلام و... تخریب شدند، این در حالی است که قدیمی‌ترین مسکن مهر در ایران هنوز ۱۰ ساله نشده است. مسکن مهر در نخستین امتحان نمره ردی خود را در کارنامه‌اش ثبت کرد. تصاویری که از صبح دیروز از مسکن مهر شهرستان سرپل‌ذهاب منتشر شده، تصاویر دلخراشی است. مسکن مهر که ساکنانش تمام پس‌اندازشان را به امید خانه‌دار شدن و تحمل سختی‌ها صرف این پروژه کردند، حالا نگرانی‌ها را درباره سرنوشت سایر واحدهای مسکونی این پروژه در سراسر کشور افزایش داده است.

تخریب واحدهای مسکونی مهر در حالی اتفاق افتاده است که قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر اسفند ماه سال گذشته تاکید کرده بود که ۱۲۰ هزار میلیارد تومان برای طرح مسکن مهر در کشور هزینه شده است.

اگر تا دیروز منتقدان مسکن مهر از تبعات اقتصادی اجرای این طرح سخن می‌گفتند و مشکلات اجتماعی آتی را مورد استناد قرار می‌دادند، امروز امنیت اندک این واحدهای مسکونی و استاندارد نبودن‌شان تبعات جانی برای ساکنان را به رخ می‌کشد.

چند نفر در سرپل ذهاب ساکن مسکن مهر بودند؟

عکس‌های منتشر شده از تخریب گسترده مسکن مهر در منطقه زلزله زده سرپل‌ذهاب نشان از عمق فاجعه دارد. این پروژه مسکونی آنطور که پیش از این فاجعه، از سوی فرماندار سرپل‌ذهاب نقل شده، حکایت از آن دارد که در سال ۱۳۹۱ آماری در خصوص تعداد متقاضیان ارایه داده بود که به پیرو آن، تعداد نفرات ثبت‌نامی برای این پروژه ۷ هزار و ۳۲۵ نفر اعلام شد. بنا به گفته فرماندار سرپل‌ذهاب «واجدین شرایط ۲ هزار و ۶۰۰ نفر بودند که تعداد ۵۹۷ نفر از آنها انصراف دادند.»

به گفته وی کل واحدهای در حال ساخت هزار و ۷۷ مورد بوده است. او تاکید کرده بود که مجموع سهم آورده برای این واحدها ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان بوده است و میزان نیروی مشغول به کار در اتحادیه ۴۲۰ نفر بوده است. از سوی دیگر جلیل کرم، مدیر کل تعاون استان کرمانشاه نیز در سال ۱۳۸۹ اعلام کرده بود که بالغ بر ۸ هکتار زمین برای تعاونی‌های مسکن مهر اختصاص داده شده است.

متهم ردیف اول تورم

هنوز سال ۱۳۹۳ به پایان نرسیده بود که وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت یازدهم تاکید کرد که مسکن مهر یکی از متهمان ردیف اول افزایش لجام گسیخته تورم در سالیان پیشین بوده است. تزریق پول پرقدرت بانک مرکزی برای تامین منابع مورد نیاز یکی از دلایل این اتفاق است.

انتشار اسکناس‌های بی‌پشتوانه و پول پاشی برای احداث مسکن در کوه و کوه پایه و دشت و بیابان، در دستور کار قرار گرفت و دولت نهم و دهم مفتخر به این اقدامات، هر روز برنامه‌های تبلیغی را در این حوزه تدارک می‌دید.

سال ۱۳۸۶ بود که طرح مسکن مهر در دستور کار دولت قرار گرفت. احمدی‌نژاد که دولتش را با کارهای جهادی شهرت داده بود و مهرورزی را به عنوان صفت دولتش برگزیده بود، در شورای عالی مسکن قصد می‌کند تمام بی‌خانه‌ها را اعم از نیازمندان و مستاجران، خانه‌دار کند.

یکی از اعضای شورای عالی مسکن در سال ۱۳۸۶ می‌گوید: «در نخستین جلسه شورای عالی مسکن، مسکن مهر را برای ۵۰ هزار واحد تعریف کردم، آقای احمدی‌نژاد گفت، ۵۰ هزار واحد؟ و رو به من کرد و گفت: چقدر کمبود مسکن در کشور داریم؟ گفتم: بر اساس سرشماری ۸۵ حدود ۱/۵ میلیون واحد کمبود داریم که ۶۰۰ هزار واحد روستایی و ۹۰۰ هزار واحد شهری است. رییس‌جمهور سابق گفت: چی داری میگی، مستاجر چقدر داریم. گفتم مستاجر فرق می‌کند آقای دکتر، مستاجر ۳/۸ میلیون خانوار. گفت خب، مستاجران چی؟ گفتم: آنها که خانه دارند، مگر می‌خواهیم همه را از خانه اجاره‌ای در بیاوریم و مسکن مهر به آنها بدهیم. احمدی‌نژاد گفت: آره، می‌ری برای ۳/۸ میلیون واحد مسکونی این طرح را توزیع می‌کنی.» قبل‌تر این اما طرحی با هدف احداث بیست هزار واحد مسکونی اجرایی شد و بعدتر ۵۰ هزار واحد مسکونی را در بر گرفت، ناگهان رشدی بیش از ۵۰ برابر را تجربه کرد و به ۲ میلیون و ۱۱۰ هزار واحد رسید. مقرر بود هزینه تمام شده ساخت هر متر مربع واحد مسکونی در حدود ۳۰۰ هزار تومان باشد، اما درست در پایان دولت دهم بود که آمار نشان می‌داد هزینه‌ها به ۴۴۰ هزار تومان رسیده است، اما همچنان مسکن‌های بی کیفیت بود و بدقواره، چون وصله ناجوری که بر منابع طبیعی حاشیه شهرها روییده بودند.

برخی انبوه‌سازان همان روزها تاکید می‌کردند کار اینچنین پیش برود، مسکن مهر هنوز شمع ۱۰ سالگی را فوت نکرده تبدیل به بافت فرسوده می‌شود و حالا، هنوز شمع ۱۰ سالگی فوت نشده، مسکن‌های مهر بی‌مهری‌شان را رو کردند و تابوت‌هایی شدند برای ساکنان‌شان.